

هم، شرایط به آن سمت کشانده‌شان.
✳ سن شما از ۶۰ گذشته اما حسابی سر حال هستید. آیا رژیم غذایی خاصی دارید؟
 به طور کل، صرف نظر از اینکه بازیگر هستیم باید حواسمان به خورد و خوراک باشد. روشم این بوده که خیلی به سمت استفاده از روغنهای جامد نمی‌رفتم. حتی کره را هم شاید ۶ ماه یکبار بخورم. چون چربی است و این چربی در رگها رسوب می‌کند. برنج هم چون غذای اصلی ایرانی هاست، می‌خورم، اما به شکل کنترل شده.

✳ صبحها زود از خوابی بیدار می‌شوید یا تا دیر وقت می‌خوابید؟ چون بین مردم اینطور جا افتاده که هنرمندان تا لنگ ظهر می‌خوابند.

متأسفانه چیزهایی درباره هنرمندان شایع شده که کاملاً برعکس و غلط است. اصلاً خیلی مواقع ماشین ساعت ۶ صبح دنبال ما می‌آید تا برویم سر صحنه. پس باید ساعت ۴:۳۰ از خواب بیدار شویم. مواقعی که شبها کار می‌کنیم و مثلاً ۷ صبح خانه می‌رسیم، طبیعی است که بعدش بخوابیم. اما این چیزهایی که می‌گویند که مثلاً هنرمندان تا ظهر می‌خوابند یا هنرمندان عیاش هستند، آدم را عصبانی می‌کند.

✳ در مجموع آدم آرامی هستید یا زود عصبانی می‌شوید؟

به طور کل سعی می‌کنم زود عصبانی نشوم. سعی می‌کنم نگاهم به زندگی درست باشد و بر توقع نباشم. بیشترین چیزی که مرا عصبانی می‌کند بیان چیزهای غیر متعارفی است که نسبتی با همکاران من ندارد. اینها مرا اذیت می‌کند. اما مهمترین چیز در زندگی آرامش است و سعی می‌کنم آرام باشم. البته خیلی برای خود زندگی ارزش قائل نیستم، بلکه زندگی را برای پیوستن به یک مجموعه و حلقه می‌دانم. زندگی در کل کائنات معنا دارد.

دیگر مخاطبان فرق دارند، به این دلیل است که مطالعات خاص خود را در این زمینه دارند و تئاتر هم جزء علاقه‌مندیهایشان است. این گروه تفکرات خاص خود و شناخت تقریباً مناسب از موضوع دارند. به همین دلیل بحث هزینه بلیت برایشان هضم شده است. در کنار این مخاطبان، قسمت عمده‌ای از جامعه و حتی افرادی که به دیدن تئاتر می‌آیند با بخش عمده کارها آشنا نیستند و باید آشنا شوند. این هم وظیفه کسانی است که



مسئولیت فرهنگ‌سازی در جامعه بر عهده آنان است. وقتی در جامعه تمام رسانه‌ها چه سینما و چه تلویزیون و چه تئاتر، مردم را به ساده‌پسندی عادت می‌دهند و تئاتری که کارش تولید اندیشه و فکر است (که به قول اصغر همت کارش تنویر افکار جامعه است، چه توسط افرادی که در این حوزه کار می‌کنند و چه افرادی که به تماشای این کارها می‌آیند) به نوعی ساده‌انگاری دچار می‌شود. این می‌شود که تماشاگر به تئاتر می‌آید و منتظر دیدن صحنه‌هایی است که بخندد و سرگرم بشود. اینها وظیفه مسئولانی است که مدیریت فرهنگی را بر عهده دارند. برخی از تماشاگران امروز ما به تئاتر نمی‌آیند تا فکر کنند و با یک موضوع فلسفی آشنا شوند؛ فقط یک نوع روزمرگی را در پیش گرفته‌اند. ما نباید از جامعه‌ای توقع داشته باشیم که سرپرستان فرهنگی‌اش به این موضوع بها نمی‌دهند که جامعه رشد کرده و از ساده‌پسندی نجات پیدا کند. در این شرایط چه توقعی داریم؟ آیا توقع داریم که مردم برای دیدن کارهای فاخر، هجوم بیاورند؟ نه! مردم می‌روند برای دیدن کارهایی که در آن بزنبوکوبی وجود دارد و حالا یک رقصی هم ممکن است در آن وجود داشته باشد؛ باید بپذیریم کارهایی که اندیشه پشتش وجود دارد، خیلی مورد اقبال نیست، البته من توهین نمی‌کنم. دوستانی که در انواع و اقسام تئاترها حضور دارند همکاران ما و بخشی از آنها دوستان ما هستند و همه‌شان قابل احترامند و شاید

آقای جعفری جوزانی، آن کار را از خیلی از فیلمهای سینمایی که بازی کرده‌ام، بیشتر دوست داشته و دارم. بنابراین در مجموع حرفم این است که برای بازیگر حرفه‌ای تفاوت خیلی زیادی ندارد که در کدام مدیوم حضور پیدا کند و این شرایط است که او را به سمت یکی از اینها خواهد برد.

✳ شما به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای که در تمام مدیوم‌ها حضور داشته‌اید، انتخاب خودتان بین تئاتر، تلویزیون یا سینما چیست؟

بیشتر هنرمندانی که در تئاتر حضور دارند، وقتی به تلویزیون یا سینما راه پیدا می‌کنند، هر چند خود را با آن مدیوم وفق می‌دهند، اما در اصل چون ریشه در تئاتر داشته‌اند، حضور قوی‌تری را تجربه کرده‌اند. من خودم به تئاتر به دید دانشگاهی که من را ساخته نگاه می‌کنم و احساس تعلق بیشتری به آن دارم.

✳ یکی از مشکلات تئاتر بعد مالی این رشته هنری است. به هر حال یک هنرمند هم از این حوزه انتظاراتی دارد. اما ظاهر آن انتظارات مالی‌اش بر آورده نمی‌شود...

...ببینید! تا زمانی که نگاه درست و نگاه قدرتمندانه با پشتوانه شناخت، آن هم از طرف کسانی که بخشهای فرهنگی جامعه را اداره می‌کنند به مقوله بازیگری نشود، نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. من برای موضوعات مربوط به بازیگری به شهرستانهای زیادی سفر کرده و گروهای زیادی را از نزدیک دیده و مسائل و مشکلاتشان را هم مشاهده کرده‌ام. حل این مشکلات در درجه نخست به نگاه مثبت نیاز دارد و مهمتر از آن به عنوان پیش‌نیاز باید شناخت از این حوزه وجود داشته باشد تا بتواند آن نگاه مثبت نسبت به مقوله تئاتر یا در مجموع بازیگری را شکل دهد. در برنامه‌هایی که برای موضوعاتی مثل داوری جشنواره‌های محلی تئاتر حضور داشتیم، از نزدیک دیده‌ام که چقدر استعدادهای دیده‌نشده در این مراکز وجود دارد.

✳ به نظر شما برای درآمدزایی در حوزه تئاتر و پرکردن سالن‌ها چه باید کرد؟

به نظر من راهش این است که بلیت‌ش را به ارگانها و ادارات بفروشند. تخفیف هم بدهند. بخشی از این بلیت از بودجه فرهنگی ادارات، بخشی تخفیف و بخشی هم توسط خود افراد پرداخت شود. اگر این اتفاق رخ دهد، کارکنان ادارات و نهادها چه در بخش خصوصی و چه دولتی، همراه خانواده‌هایشان با مبلغ اندکی به دیدن تئاتر می‌روند. این خودش فرآیندی را به وجود می‌آورد که جامعه را با تئاتر آشنا می‌کند. مشکل امروز جامعه ما این است که با تئاتر آشنا نیست. همین حالا اگر مخاطبان را دسته‌بندی و تقسیم کنید، بخشی از آنها مخاطبان خاص هستند. قشر فرهیخته جامعه که کمی با

